



فصل اول: خدمات متقابل اسلام و ایران (۱): اسلام و مسئله ملیت

مبحث‌های این فصل ۰ عدد قرمز: تعداد سؤال آزمون از همان مبحث

۱۱۹ تست در پایان فصل، ص ۳۹

سابقه در ۷ آزمون: ۱۶ سؤال

۲۰	۱	انترناسیونالیسم اسلامی: داعیه جهانی و مقیاس‌های اسلامی	۵	ناسیونالیسم: پیدایش و سیر تاریخی
۲۳	۱	اسلام ایرانیان و ایرانیان یمن	۷	معیارهای کلاسیک ملیت و نقد آن‌ها
۲۶	۲	شکست ساسانیان و ناراضی بودن مردم	۹	روشنفکران، درد مشترک و ملتی در حال تولد
۲۸	۳	نفوذ آرام و تدریجی اسلام در ایران	۱۲	ما و اسلام؛ ملت‌پرستی در عصر حاضر
۳۱	۱	زبان فارسی	۱۵	واژه ملت و ملیت از نظر اجتماعی
۳۴	۳	مذهب تشیع و تشیع ایرانیان	۱۸	ناسیونالیسم و مقیاس ملیت

۱۰ تست آخر فصل

ناسیونالیسم: پیدایش و سیر تاریخی

در دو سه دهه منتهی به ۱۳۴۹ شمسی بیش از پنجاه ملت تازه پدید آمدند یا نام و عنوان گرفتند، کشورهایی دو یا چند پاره شدند و ملت‌هایی نظام فکری خود را یکسره عوض کردند. عمده مسائل سیاسی و نظامی جهان در قالب ملیت طرح می‌شود و «ناسیونالیسم یا ملیت‌خواهی» پرخریدارترین مکتب روز شده است؛ حتی ایدئولوژی‌هایی که در اصل با رنگ ملی سازگار نبودند، به جنبش خود رنگ ملی می‌دهند.

برای ایرانیان مسئله ملیت از جنبه دیگری هم مطرح است. هویت ایرانی دو عنصر دارد: عنصر نژادی و اسلاف مربوط به پیش از چهارده قرن اخیر (وابستگی به اقوام آریایی)، و عنصر فکری، مذهبی، سنن و فرهنگ همین چهارده قرن که از اسلام آمده است، یعنی از ناحیه‌ای غیر از نژاد آریایی.

۱- اگر نژاد آریایی ملاک ملیت ایرانی شود، حاصلش خویشاوندی با جهان غرب، بریدن از همسایگان و ملل مسلمان غیرآریایی و گرایش به اروپاست؛ آن‌وقت غرب استعمارگر «خودی» و عرب مسلمان «بیگانه» می‌شود.

۲- اگر نظام فکری و نهادهای اجتماعی چهارده قرن اخیر ملاک شود، عرب و ترک و هندی و اندونزیایی و چینی مسلمان خودی و غرب غیرمسلمان بیگانه می‌شود. بنابراین بحث ملیت بحثی صرفاً آکادمیک نیست و با خط مشی و سرنوشت ملت ایران گره خورده است.

تاریخچه ناسیونالیسم در اروپا

ناسیونالیسم به شکل امروزی‌اش از «اوایل قرن نوزدهم» در «آلمان» پیدا شد و در اصل یکی از واکنش‌های اروپا به «انقلاب کبیر فرانسه» بود.

خود انقلاب فرانسه عصیانی در برابر اندیشه اشرافی کهن بود که برای توده مردم ارزشی قائل نبود. از آن پس «ملت»، توده مردم و آزادی و برابری افراد، محور سخن گویندگان و فیلسوفان شد. آزادی و برابری که تنظیم‌کنندگان اعلامیه حقوق بشر وعده می‌دادند مرز نمی‌شناخت؛ از همین رو در کمتر از یک دهه از فرانسه گذشت، اروپا را گرفت و بیش از همه به آلمان رسید.

در آلمان، «فیخته»، فیلسوف آلمانی، از پیشروان شیفتگی به این افکار بود. اما آلمانی‌ها زود دریافتند آزادی ادعاشده مخصوص فرانسوی‌هاست و سهمی به آنان نمی‌رسد. فیخته نخستین کسی بود که بر این تبعیض اعتراض کرد: در «چهارده کنفرانس» مشهورش در آکادمی برلین، در واکنش به «فرانسوی» بودن آزادی، داستان «ملت آلمانی» را به عنوان «واحدی واقعی و تفکیک‌ناپذیر» با «نبوغ ذاتی» پیش کشید. ناسیونالیسم آلمان که بعدها زاینده تر ناسیونالیسم در جهان شد، این‌گونه پدید آمد.





! مواظب باشید پیشگام ناسیونالیسم آلمانی

نخستین کسی که «ملت آلمانی» را واحدی تفکیک‌ناپذیر خواند **فیخته** بود و کسی که این فکر را تا شخصیت حاکم بر فرد و دولت پیش برد **موراس**.

♦ تعریف کلیدی ناسیونالیسم

ناسیونالیسم در اندیشه واضعان غربی: مردمی را که در مرز جغرافیایی معین و با نژاد، سابقه تاریخی، زبان، فرهنگ و سنن واحد گرد آمده‌اند، واحدی تفکیک‌ناپذیر و اصل قرار دادن؛ هرچه در دایره منافع و اعتبار این واحد باشد خودی و دوست، و بقیه بیگانه و دشمن.

■ سه واکنش قرن نوزدهم در برابر شعارهای انقلاب فرانسه

واکنش (گرایش)	داوری فلاسفه سیاسی
۱- ناسیونالیستی	منحرف از اصول یا ضدانقلابی
۲- محافظه‌کاری	منحرف از اصول یا ضدانقلابی
۳- سوسیالیسم	عدالت‌طلبانه

سه

به خاطر بسپارید واکنش‌های قرن نوزدهم به انقلاب فرانسه

ناسیونالیستی محافظه‌کاری سوسیالیسم

■ چهره‌های ناسیونالیسم اروپایی

چهره	نقش
فیخته (فیلسوف آلمانی)	نخستین معترض به «فرانسوی» بودن آزادی؛ طرح «ملت آلمانی» به عنوان واحد تفکیک‌ناپذیر
شارل موراس	بردن فکر «واحد ملی تفکیک‌ناپذیر» تا شخصیتی واقعی برای ملت، حاکم بر اراده فرد و متجسم در دولت
بارس	همراه موراس، تدوین‌کننده افکار ناسیونالیستی کشورهای گوناگون اروپا

پس از فیخته، متفکرانی چون شارل موراس و بارس افکار ناسیونالیستی کشورهای گوناگون اروپا را تدوین کردند. موراس برای مجموعه ملت شخصیتی واقعی، برتر از شخصیت و اراده فرد، قائل شد و آن را در وجود دولت پیاده کرد. همین فکر «منشأ پیدایش رژیم‌های توتالیتار»، مرام «نازی» در آلمان و «فاشیسم» در ایتالیا شد.

پیامدهای ناسیونالیسم اروپایی

- ۱- دوران ظهور و تکامل افکار ناسیونالیستی در اروپا: سراسر قرن نوزدهم تا نیمه اول قرن بیستم.
- ۲- گرایش‌های سوسیالیستی و محافظه‌کاری بر افکار روشنفکران اروپا اثر فراوان گذاشتند، اما رنگ ناسیونالیستی دولت‌ها چنان تند بود که رنگ لیبرال، کنسرواتیسم و سوسیالیسم مارکس را تحت‌الشعاع قرار داد.
- ۳- ناسیونالیسم ملت‌های اروپایی در شکل افراطی خود به صورت «نژادپرستی و راسیسم» درآمد و «دو جنگ جهانی» را به وجود آورد.
- ۴- با همه شعارهای آزادی و برابری، استعمار «ملل شرق، آفریقا و آمریکای جنوبی» را توجیه کرد؛ قرن نوزدهم و نیمه قرن بیستم، یعنی دوران شدت استعمار اروپا در آسیا و آفریقا، با اوج این افکار همزمان بود.





۵- از پایان جنگ جهانی دوم، ملت‌ستایی اروپایی دست‌کم در سطح منافع اقتصادی و استعماری جای خود را به «اتحاد و منطقه‌گرایی» داد؛ ولی غرب هنوز ناسیونالیسم را به دانشجویان شرقی و آفریقایی تبلیغ می‌کند تا کشورهای دنیای سوم جدا از هم و در رقابت با یکدیگر بمانند.

نکته: فیخته «نخستین» کسی است که «ملت آلمانی» را واحد تفکیک‌ناپذیر خواند؛ کسی که فکر «واحد ملی تفکیک‌ناپذیر» را تا شخصیت حاکم بر فرد و دولت پیش برد و زمینه نازیسم و فاشیسم شد، موراس است.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ ناسیونالیسم به شکل امروزی از اوایل قرن نوزدهم در آلمان و در واکنش به انقلاب کبیر فرانسه پدید آمد.
- ✓ فیخته نخستین معترض به «فرانسوی» بودن آزادی بود و «ملت آلمانی» را واحدی تفکیک‌ناپذیر خواند.
- ✓ فکر «واحد ملی تفکیک‌ناپذیر» موراس منشأ رژیم‌های توتالیتار، نازیسم آلمان و فاشیسم ایتالیا شد.
- ✓ از سه واکنش قرن نوزدهم، ناسیونالیستی و محافظه‌کاری ضدانقلابی و سوسیالیسم عدالت‌طلبانه خوانده شده است.
- ✓ ناسیونالیسم افراطی اروپا به نژادپرستی و دو جنگ جهانی انجامید و پس از جنگ دوم جای خود را به اتحاد و منطقه‌گرایی داد.

معیارهای کلاسیک ملیت و نقد آنها ۹ تست آخر فصل

♦ تعریف کلیدی احساس ملی یا ناسیونالیسم

احساس ملی یا ناسیونالیسم: وجود «احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی» در میان گروهی از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند. این وجدان جمعی میان افراد حاضر و نیز میان آنان و اسلافشان دلبستگی ایجاد می‌کند، روابطشان را با یکدیگر و با ملل دیگر رنگ می‌دهد و آرمان‌هایشان را به هم نزدیک می‌سازد.

در تعریف کلاسیک غربی، این وجدان جمعی زاییده «شرایط اقلیمی، نژاد، زبان مشترک، سنن و آداب تاریخی و فرهنگ مشترک» است. اما دقت بیشتر نشان می‌دهد این عوامل نقش بنیانی و درونی در تکوین وجدان جمعی ندارند و نمی‌توانند برای همیشه مایه پیوند افراد زیر یک ملیت باشند.

■ عوامل کلاسیک ملیت در ترازوی نقد

عامل	نقش پذیرفته	نقد و شاهد
زبان	همراه سنن، در نخستین مراحل تکوین ملیت عامل آشنایی و رشد شعور جمعی	محصول ملیت است نه سازنده آن؛ جلوه‌اش در مبارزه استقلال موقت است
نژاد	در پیشرفت یا انحطاط ملت اثر دارد	اصلت دائمی ندارد؛ بیشتر جدایی و تنافر یا ملیتی ضعیف می‌سازد
سنن	مانند زبان و نژاد، وسیله شناخت ملیت‌ها از هم	محصول ملیت و فعالیت ارادی گذشتگان است نه پایه آن
شرایط اقلیمی	در اجتماعات اولیه عامل اساسی وجدان جمعی	در جامعه رشید و تکامل‌یافته ناچیز و ناچیزتر می‌شود

زبان

زبان و سنن مشترک در «اولین مراحل تکوین یک ملیت» وسیله آشنایی افراد و کانال پیوند دل‌ها و در نتیجه رشد شعور جمعی و ملی است. ولی در گذشته ملت‌ها، زبان مشترک «نه یک عنصر سازنده بلکه محصول ملیت» است: زبان هیچ ملتی از آغاز به شکل امروز نبوده؛ پس از پیوند دل‌ها در سرزمینی معین پدید آمده و در برخورد با زبان‌های دیگر قرن‌ها دگرگون شده است.





نمونہ رایگان بڑیک



نکته: نمونه‌های مرحله نخست: آثار میرزا صالح و فتحعلی آخوندزاده از آغاز جنبش مشروطه، نوشته‌های فریدون آدمیت و اقدامات دولت آتاتورک در ترکیه. نمونه‌های مرحله دوم: «پروین دختر ساسان»، «از این اوستا»، «دو قرن سکوت»، «ماه نخب»، «مجموعه ایران باستان» و «ایران کوده».

مرزهای واقعی

با بی‌اعتبار شدن عوامل کلاسیک، ملت‌ها در هم حل نمی‌شوند؛ اصناف و شعبی در عالم انسانی هست که ادغامشان ممکن نیست و تحولات معاصر وحدت غرب و دنیای سوم را ناممکن‌تر می‌کند؛ «تا زمانی که گرگ و گوسفندی در عالم هست» وحدت میانشان ممکن نیست.

زبان، فرهنگ و سابقه تاریخی و نژادی در آغاز تکوین ملت مؤثرند، ولی نقش اساسی و همیشگی ندارند و «نه جوهر بلکه اعراض‌اند»: مردمی که برای استقلال جنگیدند، پس از پیروزی به حاکم و محکوم و بهره‌ور و محروم تقسیم می‌شوند و مبارزه ملی به مبارزه طبقاتی بدل می‌شود.

از آن سو، گاه هندی یا آفریقایی برای پیروزی فلسطین، الجزایر یا ویتنام شور بیشتری از هموطنان خود دارد و کسانی هزاران فرسنگ می‌روند و در آن جنبش‌ها شهید می‌شوند. پس مرزهای تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، رنگ و زبان نه مرز واقعی انسان‌هاست و نه مایه پیوند آنان.

درد مشترک

درد مشترک: عاملی که مردم دوردست را به هم می‌پیوندد و از همسایه و هموطن جدا می‌کند، دردی مشترک است: «درد از ظلم و تجاوز و استعمار». تولد ناسیونالیسم هر ملت با زمانی همزمان بوده که توده مردم احساس درد یا خلأ مشترک کرده‌اند.

تولد ناسیونالیسم و درد زاینده آن

ملت	زمان تولد احساس ملی
آلمان	احساس درد از تبعیض‌ها و دخالت فرانسویان
ایتالیا، مجار، هند، هندوچین، الجزایر	فراگیر شدن احساس خلأ و درد در همه یا بیشتر مردم
ایران (به گفته محققان غربی تاریخ ایران)	به راه افتادن نهضت تحریم تنباکو؛ یعنی احساس درد استعمار

وجدان جمعی و احساس ملیت وقتی متولد می‌شود که «درد و طلب مشترک» پدید آید؛ طلب مشترک آرمان جمعی را می‌سازد، مردم را به جهاد و مبارزه می‌کشاند و بعدها به وجدان جمعی قوام و دوام می‌دهد.

عوامل وحدت

در همه جنبش‌های ملی دو عنصر مشترک دیده می‌شود: «درد از ظلم و سیطره انسان‌ها و مؤسسات انسانی» و «طلب نفی این سیطره». فیخته رهایی آلمان از سیطره سیاسی و فرهنگی فرانسه را می‌خواست، گاندی رهایی هند از سیطره سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انگلستان، و الجزایر رهایی از تجاوز فرانسه؛ گاندی و گاریبالدی به ترتیب برای استقلال هند و ایتالیا جنگیدند.

پس عامل مشترک همه دردها و آرمان‌های ملی «احساس و اراده نفی ظلم و طلب عدالت» است؛ چون انسان در روزگار محرومیت فطرت خود را کشف می‌کند و شوق عدالت در او بیدار می‌شود. انسان در اعماق وجدان «عاشق عدالت و تقوا و حق» است. بدین ترتیب مرز واقعی انسان‌ها را «محرومیت از تمتع یا حاکمیت و محکومیت» تعیین می‌کند.

تیبورمند، نویسنده و محقق غربی، در «جهانی میان ترس و امید» ملت‌های جهان را به دو اردوگاه «محرومین و بهره‌وران» یا «کشورهای صنعتی و کشورهای عقب‌مانده» تقسیم می‌کند؛ این تقسیم با واقعیت امروز می‌خواند، اما تمام واقعیت نیست.



فایل کامل: ۵۰۴ صفحه و ۱۱۰۱ تست





آیه	پیام
آیه‌های ۱۰ و ۱۱ صف	ایمان و جهاد با مال و جان، تجارت نجات‌بخش
«والذین آمنوا من بعد و هاجروا و جاهدوا معکم فاولئک منکم» (انفال ۷۵)	بنای ملیت بر ایمان (داعیه) و جهاد (درد مشترک)
«تلك امه قد خلت لها ما کسبت» (بقره ۱۳۴)	سرنوشت امت‌ها حاصل کار و مکتسبات خودشان
«یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه» (انشقاق ۶)	سرنوشت انسان در گرو تلاش برای تعالی به سوی پروردگار

«توحید و اسلام یعنی رهایی و آزادی»، یعنی شکستن قیدها و گشودن راه تکامل به سوی خدا. اساس رهایی‌بخشی ملت‌ها این است که فرد یا جماعتی، هرچند اندک، از اسارت ارباب دنیا آزاد شده باشند؛ و بنای رهایی بر ایمان به حقانیت و مظلومیت خود و بطلان دستگاه‌های اربابی است.

بنای ملیت مسلمانان و سازنده وجدان مشترکشان «ایمان به خدا (داعیه)» و «جهاد (درد مشترکی که اثر عملی یافته و به قیام و فدای نفس رسیده)» است.

در «قرن اول هجری» اصول توحید چنان روشن ابلاغ شد که «ملت مشترک یا بین‌الملل اسلامی» پدید آمد؛ اما چون صاحبان قدرت از آن «امپراطوری و خلافت عربی» برداشت کردند، وحدت به تفرقه بدل شد و مسلمانان به خواب رفتند. همزمان غرب مسیحی با بهره از سنت‌های علمی و فرهنگی اسلام بیدار شد و تمدنی دنیاپرستانه ساخت؛ نخست به هستی فرهنگی و اخلاقی مسلمانان دستبرد زد و سپس منابع مادی‌شان را غارت کرد.

حدود یک قرن است بیداری تازه‌ای آغاز شده و در کشورهای آفریقایی نویناد و کشورهای عربی تحت استعمار، اسلام «ایدئولوژی نهضت و قیام محرومین» شده است. غرب در واکنش با بلوک شرق مارکسیست «همزیستی مسالمت‌آمیز» پیش گرفت، با صهیونیسم دولتی در قلب ملل اسلامی ساخت و دل بوداییان و زرتشتیان را جست. این توطئه‌ها درد مشترک مسلمانان را تقویت می‌کند و «ملیت اسلامی بار دیگر در حال تولد است».

پیشروان این بینش و «پایه‌گذاران ملیت جدید توحید»: عبدالرحمن کواکبی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، نائینی، اقبال و بشیر ابراهیمی. شعر اقبال لاهوری با ترجیع «از خواب گران خیز» نماد این بیداری است.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ قانون در «نفرین‌شدگان زمین» سه مرحله برای روشنفکر استعمارزده می‌شمارد و در مرحله نخست او «ترجمه‌ای می‌اندیشد».
- ✓ عامل واقعی پیوند ملت‌ها درد مشترک ظلم و استعمار و طلب نفی آن است.
- ✓ به گفته محققان غربی، احساس جمعی ملیت در ایران با نهضت تحریم تنباکو متولد شد.
- ✓ تیورمند ملت‌های جهان را به دو اردوگاه محرومین و بهره‌وران تقسیم کرد.
- ✓ حقانیت هر نهضت به داعیه آن است و بنای ملیت اسلامی ایمان (داعیه) و جهاد است.

ایرانیان در زندگی چندده‌زارساله خود با ملل گوناگون گاه دوستی و گاه دشمنی داشته‌اند؛ هرچا پای ملیت دیگران در میان بوده «مقاومت کرده و در ملیت دیگران هضم نشده»‌اند، اما علاقه‌شان به ملیت تعصب‌آمیز و کورکورانه نبوده و آنان را با حقیقت دشمن نکرده است.

از آغاز دوره هخامنشی تقریباً دو هزار و پانصد سال (بیست و پنج قرن) می‌گذرد که نزدیک چهارده قرن آن با اسلام سپری شده است. تاریخ، ادبیات، سیاست، قضاوت و دادگستری، فرهنگ و تمدن و شئون اجتماعی ایرانیان «با این دین توأم بوده است».





پایان نمونه رایگان

بقیه اش در فایل کامل است

در این نمونه ۸ صفحه از ۵۰۴ صفحه را دیدید.

۸

فصل درسنامه

۷

آزمون ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ با اصل سؤال

۱۱۰۱

تست با پاسخ تشریحی

۵۰۴

صفحه

فایل کامل، فصل به فصل

فصل	عنوان	تست آخر فصل	از صفحه
۱	خدمات متقابل (۱)	۱۱۹	۵
۲	خدمات متقابل (۲)	۱۴۳	۷۰
۳	خدمات متقابل (۳)	۱۱۶	۱۴۰
۴	خدمات متقابل (۴)	۸۸	۲۰۵
۵	صعود چهل ساله (۱)	۹۳	۲۵۰
۶	صعود چهل ساله (۲)	۱۲۴	۲۹۸
۷	توسعه و میانی تمدن غرب	۱۳۱	۳۵۴
۸	وصیت نامه امام (ره)	۷۷	۴۲۳
جمع		۸۹۱	

✓ جدول بودجه بندی اختصاصی بژیک (از هر فصل در هر یک از ۷ آزمون چند سؤال آمده) فقط داخل فایل کامل است و در نمونه ها نیامده.

✓ زیر پاسخ هر تست نوشته شده مطلبش در کدام صفحه درسنامه است.

✓ ۳ آزمون جامع ۱۵ سؤالی با سؤال هایی که در تست فصل ها نیامده اند؛ ویرایش های بعدی برای خریداران رایگان است.

دانلود فایل کامل pdf از بژیک

دانلود جزوه اطلاعات عمومی و دانش اجتماعی آموزش و پرورش ۱۴۰۵ + نمونه رایگان

bzhik.ir

